

پیشگفتار

با تابیدن نور انقلاب اسلامی بر سرزمین ایران، هویت فرهنگی و تاریخی ایران اسلامی، در فصل تازه خویش، آینده‌ای درخشان را نوید می‌دهد که بر بنیاد آموزه‌های الهی و دین اسلام پدید خواهد آمد.

درباره این انقلاب و آینده آن مسائل متعددی در حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به همراه بسیاری پرسش‌های درازدامن و عمیق، در ذهن جامعه ما، به‌ویژه در میان جوانان پرسشگر و جوینده حقیقت، مطرح شده است. ذهن حقیقت‌جو و فرهیخته ایرانی در فرایند هم‌آوردی و تقابل تمدن مدرن با لایه‌های تمدن شکوهمند اسلامی، برای انبوه پرسش‌های خویش نیازمند پاسخ‌هایی درخور و سنجیده است. اینکه آیا این انقلاب می‌تواند دوام پیدا کند؟ و آیا می‌تواند به اهداف و آرمان‌های متعالی خود برسد؟ آیا افقی فراتر از تمدن غربی پیش روی بشر باز خواهد شد؟ آیا تحقق تمدن نوین اسلامی امکان‌پذیر است؟ این انقلاب با چه ظرفیت و توانی می‌تواند در مقابل تمدن غربی، تمدن نوین اسلامی را بنا کند؟ آیا این خود یک آرمان دور از دسترس است یا یک فرایند در حال تحقق؟

از این‌رو اندیشه‌وران و دغدغه‌مندان انقلاب اسلامی بیش از هر زمان دیگری نیازمند تأمل و تفکر درباره این انقلاب و آینده آن‌اند، و جا دارد از خود پرسیم که این سخن رهبر کنونی انقلاب اسلامی چگونه می‌تواند تبیین علمی پیدا کند:

ما در حال پیشرفت و سازندگی و در حال بنای یک تمدن هستیم. ...ملت

ایران، همچنان‌که شأن اوست، در حال پدید آوردن یک تمدن است... ما در این صراط و در این جهت هستیم. نه اینکه ما تصمیم بگیریم این کار را بکنیم، بلکه حرکت تاریخی ملت ایران در حال به وجود آوردن آن است.^۱

کتاب پیش رو، کوششی است در جهت همین دغدغه، و پژوهشی است در قلمرو آینده‌پژوهی که هدف اصلی آن، ارائه تبیینی علمی و درست از آینده انقلاب اسلامی و چشم‌انداز تمدنی آن است. البته این تحقیق نخواست به طور کامل در چارچوب علم آینده‌پژوهی و دقیقاً مطابق روش‌های مرسوم این علم، آینده انقلاب اسلامی را مورد پژوهش قرار دهد، بلکه به صورت تلفیقی، از مباحث فلسفه تاریخ، تحلیل تاریخ و روش‌های علم آینده‌پژوهی بهره برده است.

می‌توان گفت این اثر، از جمله آثاری است که آغازگر تحقیق و پژوهش در حوزه آینده انقلاب اسلامی است. به همین دلیل کاستی‌های زیادی دارد و امید است با ادامه این راه به همت پژوهشگران دیگر، شاهد آثار بهتری در این زمینه باشیم.

در اینجا لازم می‌دانم از استادان ارجمند، دکتر موسی نجفی و دکتر محمدرحیم عیوضی و نیز همکاران محترم، حجت‌الاسلام دکتر مهدی ابوطالبی، حجت‌الاسلام دکتر ذبیح‌الله نعیمیان و دکتر علیرضا جوادزاده که با مطالعه پیش‌نویس این کتاب و ارائه نظرهای سودمند، بنده را یاری کردند، قدردانی و تشکر کنم.

همچنین از دست اندرکاران معاونت پژوهش و مدیریت تدوین متون مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) و سازمان سمت (به‌ویژه گروه علوم سیاسی و دفتر قم) نیز صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم.

ابوذر مظاهری

مرداد ۱۳۹۸

۱. حدیث ولایت، بیانات به مناسبت حلول سال ۱۳۷۳ شمسی، ۱/۱۳۷۳.

مقدمه

انقلاب اسلامی به عنوان یکی از نقاط عطف تاریخ معاصر ایران و یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای جهان کنونی، پرسش‌های عمیق و متعددی را در فضای اندیشه معاصر ایجاد کرده است. این انقلاب همان‌گونه که در وقوع و تحقق، شگفتی بسیاری برانگیخت، در نتایج و آینده خود نیز پرسش‌های پرشماری ایجاد کرده است؛ پرسش‌هایی که امروزه با توجه به تداوم و توسعه انقلاب اسلامی و عبور این انقلاب از مراحل وقوع، استقرار و تثبیت، به صورت جدی مطرح شده‌اند.

در این تحقیق، «آینده انقلاب اسلامی» همچون مسئله‌ای پژوهشی مورد پرسش و تأمل قرار گرفته است و تلاش می‌شود با بررسی‌های علمی، به‌ویژه با بهره‌گیری آزاد از علم آینده‌پژوهی به این پرسش پاسخ داده شود.

«انقلاب اسلامی» در بیان این اثر، همچون روندی است که از انقلاب آغاز شده، با پشت سر گذاشتن مراحل نظام، دولت، کشور و تمدن اسلامی به اوج خود خواهد رسید و مطلوب‌ترین آینده که پیوستن به ظهور و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام است، همچون افقی در نظر گرفته شده که «در حال تحقق» است، نه اینکه صرفاً «باید تحقق یابد». این منظر، تبیین مبانی پژوهش را ضروری می‌سازد. از نظر این تحقیق، مبنای اصلی در بحث از آینده پدیده‌های بزرگی همچون انقلاب اسلامی، موضع فلسفه تاریخی پژوهشگر است؛ چنان‌که بررسی آینده بشر با پیش‌فرض فلسفه تاریخ غربی، ارائه نظریه «پایان تاریخ» یا مشابه آن را به دنبال داشته است؛ نظریه‌ای که در چارچوب آن، آینده خوبی برای انقلاب اسلامی و امثال آن متصور نیست.

موضوع «روش» نیز در تحقیقات آینده‌پژوهی از اهمیت خاصی برخوردار است. در این تحقیق، تلفیقی از برخی روش‌های علم آینده‌پژوهی و ابداعات روشی متناسب با

مبانی فلسفه الهی تاریخ، به کار گرفته شده است. به نظر می‌رسد مناسب‌ترین روش‌ها برای آینده‌شناسی انقلاب اسلامی، دو چیز است: شناخت و شناسایی عوامل محرک و به اصطلاح، پیش‌ران‌های آینده؛ و تحلیل روندهای گذشته و برون‌یابی آنها در آینده. معتقدیم آینده هر ملتی، بر این پایه‌های اساسی، یعنی اهداف و آرمان‌ها، ظرفیت‌های موجود، روندها و توانایی بهره‌گیری از فرصت‌ها و ظرفیت‌ها استوار است.

در بیان چگونگی آینده انقلاب اسلامی، ابتدا دیدگاه‌های مختلفی که درباره آینده انقلاب اسلامی مطرح شده است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. دیدگاه‌ها به دو دسته صاحب‌نظران داخلی و خارجی تقسیم، و در دسته اول معیارها و نتایج آینده‌نگری امام خمینی علیه السلام، امام خامنه‌ای و استاد شهید مطهری مطرح می‌شود. صاحب‌نظران خارجی نیز آینده‌نگری‌های مختلفی درباره انقلاب اسلامی داشته‌اند که در ادامه مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد.

سپس چگونگی آینده انقلاب اسلامی در چارچوب الگوی بررسی آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب بررسی می‌شود. چنان‌که در علم آینده‌پژوهی آینده‌های محتمل، اصلی‌ترین موضوع پژوهش به شمار می‌آیند، در این تحقیق نیز محتمل‌ترین آینده انقلاب اسلامی، نقطه ثقل تحقیق شمرده می‌شود که تلاش شده است با توجه به افق‌های پیش روی این انقلاب، ظرفیت‌های موجود آن و روند تاریخی، پیش‌بینی، و نه پیشگویی شود. از نظر این پژوهش، تمدن اسلامی محتمل‌ترین و بسط‌یافته‌ترین آینده‌ای است که می‌توان برای انقلاب اسلامی ترسیم کرد. ظرفیت‌های تمدنی انقلاب اسلامی، اعم از ظرفیت‌های معرفتی، فرهنگی، تاریخی و سیاسی - اجتماعی، به اندازه‌ای است که می‌تواند تمدن آینده جهان را شکل دهد. بخش اصلی این نیرو و ظرفیت، از اسلام نشئت گرفته، و چون بررسی‌های متعدد نشان می‌دهد که اسلام محتمل‌ترین الگوی تمدنی آینده است و انقلاب اسلامی، در حال حاضر در مسیر اسلام واقعی قرار دارد، آینده اسلام، آینده انقلاب اسلامی نیز خواهد بود. ظرفیت‌های عینی، اعم از ظرفیت‌های تاریخی، سیاسی، روانی و مادی انقلاب اسلامی نیز در ادامه بررسی می‌شود و افق تمدنی انقلاب اسلامی از این جهت نیز سنجیده خواهد شد.